

اوصاف و کارکرد یاریگران خداوند در *اوستا* و عهد عتیق
(بررسی تطبیقی)

حسین حیدری^۱، محمد آقاجانی^۲
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲۲ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۱/۹)

چکیده

در متون دینی زرتشتی و یهودیت، که نمایانگر اندیشه‌های دینی یهودیان و مزداپرستان در هزاره‌ی پیش از میلاد هستند، به‌صراحت به شراکت موجودات مینوی در آفرینش و اداره‌ی هستی، اعم از مینوی و مادی، اشاره شده است. به باور *اوستا*، جهان نیک را اهورامزدا، با همراهی مینوی مقدسی موسوم به سپننه مینو آفریده است و با همکاری و یاری فروشی‌ها، امشاسپندان و خورنه (فرهی) اداره می‌کند. در عهد عتیق نیز به‌ویژه به واسطه‌ی قوای الهی به نام روح خدا، فرشته خدا و فرشتگان خدا به تکوین هستی، تکمیل و اداره آن پرداخته است. نوشتار پیش‌رو نخست به معرفی و توصیف هر یک از لشگرهای مینوی یاد شده در *اوستا* و عهد عتیق پرداخته، سپس اختلافات و به ویژه اشتراکات کارکرد و ماهیت آنها را نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: امشاسپندان، روح خدا، سپننه مینو، فرشته خدا، فروهر، فرهی.

۱. نویسنده‌ی مسؤول، استادیار گروه ادیان دانشگاه کاشان: Heydari@kashanu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد ادیان دانشگاه کاشان.

مقدمه

اوستا و عهد قدیم از جمله کهن‌ترین کتب مقدس ادیان به حساب می‌آیند. بنابر سنت زرتشتی، *اوستا* در حمله‌ی اسکندر بسوخته و در دوره‌ی بلاش اول یا سوم اشکانی در سده‌ی اول یا دوم میلادی و دیگر بار با کوشش تنسر و به فرمان اردشیر بابکان سر دودمان ساسانیان (۲۲۴-۶۵۲م) تدوین شده است (اوشیدری ۱۶۸، ۲۲۲)، ولی بنابر یافته‌های تاریخی، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی تاریخی، اسطوره‌شناسی تطبیقی و دیگر دانسته‌های تازه، دیرینگی بخش‌هایی از *اوستا* کهن نامه ایرانیان به دوران *وداها* (۱۵۰۰-۱۲۰۰ ق.م) نزدیک می‌شود (Doniger, 1128). این که در *اوستا* از هیچ یک از سلسله‌های پادشاهان ایرانی مانند مادها (۷۰۵-۵۵۹ ق.م) و هخامنشیان (۳۳۰-۵۵۹ ق.م) و نامهای مرتبط اثری نیست، همچنین قدمت زبان *گائاهها*، و این که در بین مردم زمان *اوستا*، معاملات پایاپای انجام می‌شده است و همچنین نامی از عنصر آهن در *اوستا* نیامده، برخی پژوهندگان را به این نتیجه رسانده است که *اوستا* در عصر مفرغ تدوین شده است (اوشیدری ۳۵) البته غالب پژوهندگان تاریخ آن را به حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسانند.

از سوی دیگر، برحسب سنت یهود بخش‌هایی از عهد قدیم به عصر موسی (ع)، یعنی در دوره‌ی رامسس دوم (۱۳-۱۲۷۹ ق.م) می‌رسد (Doniger, 750-751). واپسین بخش عهد قدیم (ملاکی) مربوط به ۴۳۳ ق.م است. یافته‌های باستان‌شناسی طومارهای بحر المیت در ۱۹۴۷م و کشفیات قمران (Qumran) در ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴م. در منطقه‌ی فلسطین و مصر اثبات می‌کند که مجموعه‌ی عهد قدیم دست‌کم در حدود سال ۱۵۰ تا ۳۰ ق م به صورت کنونی وجود داشته است (محمدیان ۸، ۲۱) و البته باید پیش از آن تدوین شده باشد، هر چند همانند *اوستا*، نسخه‌های کهن‌تر آن یافته نشده است.

دوران اسارت بابلی (از ۵۸۸ ق م تا فتح بابل توسط کورش در ۵۳۸ ق م)، تبعید یهودیان به بین‌النهرین و عدم بازگشت برخی یهودیان به فلسطین و از آن به بعد، اقامت برخی از آنان در ایران موجب شده که شباهت‌های بسیاری بین باورها و دیگر سنت‌های کهن یهودیت و مزدپرستی به وجود آید که از جمله‌ی آنها سلسله مراتب فرشتگان، اهریمن، رستاخیز، منجیان آخرالزمان و... ذکر کرده‌اند (ناس، ۵۴۷). این که کدام متن از دیگری تأثیر پذیرفته و مقدم است و یا این که بر مبنای دبستان مردم‌شناسی

تطورگرایی (evolutionism)، هر یک از دو فرهنگ به تنهایی در مسیر تکاملی، بدون اقتباس به یافته مشترک رسیده است، مدت‌ها مورد نزاع بوده است.^۱ به هر حال، برای اثبات یا ابطال نظرات مذکور، اسناد علمی قاطع وجود ندارد، ولی آنچه مسلم است وجوه اشتراک ساختاری و کارکردی برخی از بن‌مایه‌های عهد قدیم و اوستاست. این جستار درمجال کوتاه مقاله، افتراقات و اشتراکات یاریگران و جلوه‌های یهوه و اهوره‌مزدا را می‌نمایاند.

الف) یاران مینوی مزدا در آفرینش و اداره هستی

۱- سپننه مینو

خدای زرتشت، اهوره مزدا، متصف به صفات دادار، موجد نظم، مقوم توازن هستی و پیرو اشته است. او در آغاز برای آفرینش و اداره‌ی هستی به آفرینش کارگزاران مینوی از جمله امشاسپندان و فروشی‌ها پرداخت. در رأس همه‌ی این مینوان، سپننه مینو (خرد مقدس) قرار دارد.

سپننه مینو به معنای مینوی ورجاوند، مینوی مزدا اهورا و آفریدگار جهان نیکی و برترین فروزه‌ی اوست. در گاهان به نظر می‌رسد سپننه مینو در اصل نه یک خدا یا موجود مینوی متشخص و مستقل از مزدا، بلکه در واقع جلوه و مظهر آفرینشگری آن خدا است که افزون بر آن، کمال بخش آفرینش مزدا نیز به حساب می‌آید (S.Ellwood, 489; E.Safra, 1023; Boyce, Zoroasterians, 21). شخصی یافته و مترادف با اهوره‌مزدا شده است و گاه به جای آن می‌آید.

سپننه مینو در اوستا به عنوان پسر اهوره‌مزدا یاد شده است (یسنه، هات ۴۷، بند ۳). از بافت مضامین یسنا، همچنین پیوند ژرف مزدا با سپننه مینو به دست می‌آید (هات ۴۵، بند ۶).

به گواهی اوستا، انگره مینو (= اهریمن) به معنوی مینوی ستیهنده و دشمن یا همیستار اصلی سپند مینوست و داستان نبرد دیرپای این دو مینو و دستیاران و کارگزارانشان مضمون سراسر آفرینش است (اوستا ۱۰۰۳/۲؛ اوشیدری ۳۱۸). هر چند

۱. دارمستتر یهودی سعی می‌کرد تاریخ گاتها را به قرن اول میلادی بکشاند و ابداع امشاسپندان را تحت تاثیر نفوذ فلسفه فیلون یونانی و یهودی بدانند (اوشیدری، ۱۲۴).

اهورا مزدا سپننه مینو را با اهداف متعددی آفریده است، با وجود این، مقابله با شرارت‌های انگره مینو یکی از اصلی‌ترین این دلایل است (Hintze, 1/203). در یک عبارت موجز، می‌توان گفت: «سپننه مینو مظهر اشه، هستی و خوبی است و انگره مینو جلوه‌ی دروغ، نیستی و بدی است» (بهار، ۴۱).

گاه در مضامین /وستا چنان همسانی میان مزدا با سپننه مینو برقرار است که گویا این دو در واقع یکی بوده، یا دست‌کم، همسرشت و هم‌ریشه‌اند و تفاوتی میان آنها وجود ندارد: «ای مزدا! ای سپننه مینو! اینک در آغاز با دست‌های برآورده ترا نماز می‌گزارم و خواستار بهروزی و رامشم...» (یسنه، هات ۲۸، بند ۱) ژرفای این پیوند تا بدان پایه است که به معرفت آفرینشگری این دو در کنار هم به صراحت اشاره شده است: «... ای مزدا همانا می‌کوشم تا تو و سپننه مینو را آفریدگار همه چیز بشناسم» (یسنه، هات ۴۴، بند ۷). از دیگر سو، باید بر منزلت رفیع سپننه مینو در نظر اهوره‌مزدا اشاره داشت: «ای مزدا تویی که این جهان خرمی بخش را برای او (سپننه مینو) بیافریدی» (هات ۴۷، بند ۳). افزون بر نقش آفرینشگری، او میانجی تقرب مومنان و اشونان به ساحت مینوی اهوره مزدا است: «ای مزدا! اهوره! نخست به میانجی کنش آذر و به دستپاری سپننه مینوی تو، به تو نزدیک می‌شویم» (هات ۳۶، بند ۱).

چنان که ذکر شد، گاه در برخی از متون تحقیقی، از سپننه مینو به عنوان روح مقدس (Holy Spirit) یاد کرده‌اند که شایان توجه است (S.Ellwood, 489; E.Safra, 1023, Boyce, Zoroasterians, 21).

کارکرد مهم دیگر این جلوه‌ی مینوی، به کارگیری فروشی‌ها برای صیانت از آسمان است (فروردین یشت، ۲۹). همچنین می‌توان سرکردگی سپننه مینو را بر گروه امشاسپندان دید (زامیاد یشت، کرده ۷-۴۶). بعدها در سر نام سی روز ماه به جای آن اهورامزدا یا هرمزد آمده و خرد مینوی دانسته شده است. از زمان وندیداد به بعد، سپنناتمینو جای خود را به اهورا مزدا داده است (جعفری، ۶۳۶).

۲- امشاسپندان

از دیگر یاریگران مزدا، امشاسپندان (مینوان ورجاوند)، جایگاه بسیار والایی در بارگاه او دارند. امشاسپندان بویژه در گائاه‌ها، از یک نظر فروزه‌ها یا صفات اهورامزدا و از

نظرگاهی دیگر، مظاهر مفاهیم انتزاعی هستند و در اوستای نو مهین ایزدانند. از عنوان یاد شده معنای «بی مرگان مقدس» به دست می‌آید (بهار، ۴۱؛ Gnoli, 290). عنوان امشاسپندان به طور کامل نخستین بار در یسنای هپتن هایتی یا هفت هات به کار رفته که بعد از گاتاها، قدیمی‌ترین بخش اوستاست (هات ۳۹، بند ۳). از این‌رو در گاتاها، قدیمی‌ترین بخش اوستا که منسوب به زردشت است، از نام و یاد این موجودات مینوی نشانی نمی‌یابیم (بهار، ۴۱؛ Boyce, Zoroasterians, 37).

امشاسپندان شش تن هستند که با شمارش سپننه مینو به این گروه مینوی، فهرست هفت گانه مینوان مقدس به دست می‌آید: ۱- وهومنه یا بهمن (منش نیکو) که در اصل برترین جلوه اهوره مزدا بعد از سپننه مینو است؛ ۲- آشه وهیشته یا اردیبهشت (بهترین راستی) که به واسطه‌ی نیروی خرد اهوره مزدا خلق شده است؛ ۳- خشثره وئیریه یا شهریور، به معنای قدرت مطلوب یا شهرپاری دلخواه؛ ۴- سپننه آرمیتی یا سپندارمذ به معنی اندیشه و فداکاری مقدس؛ ۵- هورتات یا خرداد در معنای تمامیت و کمال است؛ ۶- امرتات یا امرداد، به عنوان ششمین و آخرین امشاسپند، در معنی بی مرگی و جاودانگی است (بهار، ۴۱؛ Gnoli, 290).

این جلوه‌های مینوی مزدا مورد عبادت و تسبیح‌اند! آنجا که در اوستا آمده: «... من ستاینده و پرستنده امشاسپندانم» (هات ۱۲، بند ۱). این موجودات در اصل برای یاری مزدا در اداره امور هستی آفریده شده‌اند (E.Safra, 39). و خلاء میان قدوسیت مزدا با موجودیت نوع بشر را بسان واسطه مرتفع می‌سازند (Warren Matthews, 226).

ویژگی‌های امشاسپندان

۱- مخلوق و آفریده مزدا هستند؛ ۲- یاریگر مزدا هستند؛ ۳- یاریگر نوع بشرند (هات ۵۸، بند ۵)؛ ۴- ستایش و نیایش می‌شوند: «ای امشاسپندان! من ستایش و نیایش (خویش را) با اندیشه، با گفتار، با کردار، با تن و جان خویش به سوی شما فراز می‌آورم» (یسنه، سرآغاز، بند ۵؛ نک: هات ۱، بند ۲؛ هات ۲ بند ۲؛ هات ۳، بند ۱)؛ ۵- یاریگر زردشت در نبرد با اهریمنند؛ ۶- جنسیت نرینه و مادینه دارند (هات ۴، بند ۴؛ نک: هات ۲۴ بند ۹، هات ۳۹ بند ۳)؛ ۷- در آفرینش نوع بشر شراکت داشته‌اند (هات ۵۸، بند ۵).

۳- فروشی‌ها

۳-۱- کلیات

در انسان شناسی کهن / اوستا، وجود آدمی از پنج بخش تشکیل شده است: «اینک اهو (جان) و دئنا (دین) و بئوده (بوی) و اورون (روان) و فروشی نخستین آموزگاران و نخستین آموزندگان کیش، مردان و زنان اشونی را که انگیزه پیروزی اشته بوده‌اند، می‌ستاییم» (یسنا ۲۶، بند ۴). این پنج قوه (جان، دین، بوی، روان، فروشی) از حیث رتبه با هم مساوی نیستند، برخی از آنها بی‌آغاز و بی‌انجام است (اوشیدری ۱۵۶)، برخی فناپذیر و برخی دیگر محدث، که بعد به حیات جاودانی و ابدی پیوسته گردد:

جان: نیرویی است که مایه‌ی زندگی جانداران است و با مرگ آنان از بین می‌رود.

دئنا: غالباً به معنی وجدان و حس روحانی و ایزدی انسان و فناپذیر است و آغاز و انجامی ندارد. در رستاخیز، دئنا ی هر کس تجسم می‌یابد (اوشیدری، ۲۷۴).

بئوده: را در فارسی دری بوی گویند و آن قوه دراکه و فهم انسانی است. بئوده موظف است حافظه و هوش و قوه ممیزه را اداره کند تا هریک تکلیف خود را به جای آورند این قوه هم پس از مرگ با روان به دیگر جهان می‌شتابد (همو، ۱۵۶).

روان: نیز خود فرد است که پاسخگو است و با مرگ از بین نمی‌رود.

فروشی: در فارسی باستان فرورَتی، در پهلوی فرورَد، فروهر، فروشی و فروخش (Boyce, fravasi) است. درباره‌ی ریشه واژه‌ی فروشی گفته‌اند این واژه از دو قسمت فره یا فرا به معنی پیش و ور به معنی پوشاندن و نگهداری کردن و پناه بخشیدن ساخته شده است (دهخدا، مدخل فروشی). البته برخی مانند بویس ریشه لغوی آن را مشخص نمی‌دانند (Boyce, zoroasterians, 15).

منبع اصلی بررسی مفهوم فروشی‌ها در اوستا، فروردین یشت است که سیزدهمین یشت از مجموع یشت‌های اوستا است، با ۳۱ کرده و ۱۵۸ بند، طولانی‌ترین و مفصل‌ترین یشت / اوستاست که به ستایش و نیایش فروهرها اختصاص دارد (Boyce, farwardin yast).

یکی از زمان‌های اصلی فعالیت این ارواح فرشته‌سان، شباهنگام است. چنان که در جشن بزرگداشت ایشان، فروردیگان، نیز به شکل نمادین به افروختن آتش برای راهنمایی آنان مبادرت می‌ورزند. عنوان اصلی این جشن «همسپثمئدی»

(hamaspaθmaedayā) است که اکنون با عنوان فروردیگان در ده شب آخر سال و همگام با ورود به سال نو برگزار می‌شود. افراد با پیشکشی جامگان و خوراکی‌ها، به پیشواز ارواح مردگان می‌روند و در جهت رضا و خشنودی آنان به نیایش و ستایش می‌پردازند، تا در نهایت از مواهب ایشان برخوردار شوند (Boyce, Farwardin). به هر حال فروشی‌ها هیچگاه کسانی را که به آنها تعلق داشته‌اند، فراموش نمی‌کنند (معین، ۲۵۳۶/۲)

در فصل اول بندهش در بند ۸ آمده است که پیش از آفرینش عالم مادی، اهورامزدا عالم فروشی را بیافرید، یعنی آنچه بایستی در دنیا ترکیب مادی گیرد از انسان و جانور و گیاه و غیره پیش از آن صور معنوی آن‌ها موجود بوده است. عالم فروشی مدت سه هزار سال طول کشید، پس از آن از روی صور معنوی گیتی ساخته شد. آخرین فروهری که به زمین فرود خواهد آمد، فروهر سوشیانت موعود مزدیسناست (اوشیدری، ۳۷۴).

۳-۲- جایگاه فروشی‌ها

در سرآغاز فروردین یشت به‌صراحت از همیاری فروشی‌ها در پشتیبانی از اهوره‌مزدا سخن به میان آمده است، آنجا که شخص اهوره‌مزدا به زردشت می‌گوید: ای زردشت از فرّ و فروغ آنان است که من آسمان را در بالا نگاه می‌دارم تا از فراز، فروغ بیفشاند (بند ۲). این ارواح مینوی فعال و پر جنبش یاریگر مزدا در اداره هستی‌اند. برای نمونه تداوم جوشش آب‌ها، رشد گیاهان، وزش باده‌ها، استقرار تخمک در رحم تا آبستن شدن و نیز وضع حمل آسان، همگی از جمله فعالیت‌های آنان است. البته چنانکه پیشتر ذکر شد، سپننه مینو ایشان را به کار گماشته تا آفریده‌های او قوام و دوام داشته باشند (بندهای ۱۵، ۱۴).

در باب ماهیت دقیق فروشی‌ها همانند اشتقاق نام آنها، گمانه زنی‌های بسیاری صورت گرفته است، چنانکه ناتان سودر بلوم از این موجودات به مثابه ارواح مردگان، جیمز مولتن به سان ارواح نیاکان و در نهایت، هارولد بیلی نیز با در نظر گرفتن وجهه‌ی جنگاوری فروهرها، اعتقاد به ایشان را ناشی از وجود ریشه‌ای تهمتن پرستی باستانی در بین ایرانیان دانسته است (Boyce, Fravasi).

۳-۳ اوصاف فروشی‌ها

از فروردین یشت برمی‌آید که ارواح فرشته‌سان مزبور دارای خصایص ویژه‌ای هستند:

۱- فروشی‌ها قدرتمندند (بند ۲۹)؛ ۲- دارای فرّ و فروغند (بندهای ۱ و ۳)؛ ۳- جنسیت خاصی نداشته و متعلق به همه آفریده‌های و موجودات و حتی گیاهان، اعم از نرینه و مادینه هستند (بند ۱۴۳-۱۴۵)؛ ۴- اهوره‌مزدا نیز فروشی دارد (بند ۸۰)؛ ۵- به دلیل این که فروشی‌ها ازلی‌اند، یعنی پیش از خلقت جسمانی جهان آفریده شده‌اند، در نتیجه ابدی نیز بوده، ساکنین بارگاه متعالی هستند (بند ۸۰)؛ ۶- حضور آنان در خانه‌ها و در نزد افراد موقتی است، و به تجدید ستایش و توسل نیاز است تا باز فرود آیند (بند ۱۵۷)؛ ۷- عواطف و احساس دارند و انسان را زمانی یاری می‌کنند که از دست آنان خرسند باشند. در غیر این صورت، به یاری آدمیان نمی‌شتابند. از همین رو بر ستایش نام آن‌ها و پیشکش نذورات به آن‌ها تاکید شده است (بند ۷۰-۳۴)، ۸- دارای پر و بالند و در تصور عموم در آسمان پرواز می‌کنند و در لحظه یاری فرود می‌آیند (بند ۷۰-۷۱-۱۴۷).

۳-۴- طبقه‌بندی فروشی‌ها

فروشی‌ها برحسب نوع تعلقشان قدر، منزلت و قدرت متفاوتی دارند:

۱. برترین و بزرگترین و استوارترین فروشی متعلق به اهوره‌مزدا است (بند ۸۰).
۲. بعد از جایگاه ممتاز فروشی مزدا، در خلال بندهای ۸۱ تا ۸۴ فروردین یشت به فروشی‌های امشاسپندان اشاره شده است که می‌توان رتبه دوم از لحاظ توانمندی و منزلت را به فروهرهای آن‌ها نسبت داد (بند ۸۱ تا ۸۴).
۳. پس از فروشی‌های آذر، ایزد مهر، و فروشی‌های آسمان و شب و زمین (بند ۸۶) بنا به سیاق بند ۱۷، رتبه بعدی را باید از آن فروشی‌های آموزگاران نخستین کیش و زردشت و فروشی‌های سوشیانت‌ها دانست (بند ۱۷-۸۷).
۴. فروشی‌های اشونان زنده در رتبه فروترند (بند ۱۷).
۵. فروشی‌های مردگان در رتبه پائین‌تر از فروهرهای زندگان قرار دارند (بند ۱۷).

۳-۵- کارکردهای فروشی‌ها

۱. از مهمترین کارکردهای فروشی‌ها، یاری اهوره‌مزدا در اداره هستی است (بند ۱۲).
۲. حاملان عرش و آسمان اهورایی‌اند (بند ۲).
۳. برپادارندگان زمین و حاملان آن هستند (بندهای ۳ و ۹).
۴. مانع و رادعی بر سر راه تقویت قوای دروج و غلبه آن بر هستی‌اند (بند ۱۲).
۵. عامل بقای بهترین گونه‌های جانوران و مردمانند (بند ۱۲).

۶. موجب تداوم جوشش آبها، رشد گیاهان و نباتات، وزش بادهای، زاد و ولد، حرکت اجرام سماوی هستند (بند ۱۴-۱۶).
۷. جنگاور و عامل پیروزی در جنگند (بند ۲۳. قس: با بندهای ۷۰، ۶۹، ۱۷).
۸. عامل رستگاری و هدایت آدمیانند: «آنان که نیازمندان را رستگاری دهند» (بند ۲۴).
۹. عامل تندرستی و سلامتی رنجوران هستند (بند ۲۴ و ۴۰).
۱۰. حامی و محافظ صاحبانشان هستند (بند ۲۶).
۱۱. عامل تجهیز و ترغیب افراد به مبارزه اند: (بند ۳۷).

۴- فرهی در متون مزدایی

افزون بر اجزای پنج گانه وجود عموم آدمیان، نیروی دیگر فر، ویژه برخی افراد است. فره، در پهلوی خره (Mackenzie, 96) xwarrah و در اوستایی خوارنه XareNah (Reichelt, 281) و همچنین خوارنگه و فر هم خوانده می‌شود و از آن واژه‌های فرهنگ و فرخ و.. برگرفته شده است. فر ایرانی و کیانی برای نخستین بار در زامیاد یشت ذکر شده است (اوشیدری، ۳۰۱): «... سپند مینو و انگره مینو به چنگ آوردن این فر ناگرفتنی را کوشیدند و هر یک از آن دو، چالاک‌ترین پیک‌های دانش خویش را در پی آن فرستاد. سپند مینو، پیک‌های خویش بهمن و اردیبهشت و آذر مزدا اهوره را گسیل داشت و انگره مینو، پیک‌های خود «اک من» و خشم خونین درفش و اژی دهاک... روانه داشت. (۴۶-۴۷)... آن گاه افراسیاب تورانی بسیار زورمند... نتوانست این فر را... برآید (۶۴).

برای فر و فروغش من او را - فر مزدا آفریده ناگرفتنی را - با نماز بلند و با زور می‌ستایم. [فری] که از آن زرتشت اشون بود... (۶۴).

بنابر اوستا، «فر فروغی است ایزدی بدل هر کس بتابد، از همگنان برتری یابد. از پرتو این فروغ است که کسی به پادشاهی رسد، برازنده‌ی تاج و تخت گردد و آسایش گستر و دادگستر شود». فره موجب پیروزی می‌شود و آدمی را به کمالات روحانی و پیامبری می‌رساند. هر کس که تأیید الهی دارد، چه پادشاه، چه پارسا، چه نیرومند و چه هنرمند، فردی فرهنگ است. چون فره، پرتویی ایزدی است و تنها از آن پادشاهان یزدان پرست و

دادگر است (یشت‌ها ۲، ۳۱۵، ۳۱۴). همچنین از نیروی این نور است که... کسی به مقام پیغمبری رسد و شایسته الهام ایزدی گردد» (اوشیدری، ۳۶۹).

انواع فرّه ایزدی در اوستا

در اوستا از دو نوع فرّه سخن به میان آمده است: فرّه کیانی یا شاهی، فرّه آریایی یا ایرانی:

۱- فرّه کیانی: اهورامزدا این فرّه را دارد و با آن، آفریدگان (سوشیانت‌ها) را بسیار خوب، زیبا، دلکش کارآمد و درخشان پدید آورده است (یشت ۱۹: ۱۱، ۱۰)، امشاسپندان که پناه و یاور آفرینش اهورامزدا هستند نیز این فرّه را دارند (یشت ۱۹: ۱۸، ۱۵). بهمن، اردیبهشت و آذر از طرف سپند مینو و اکومن، خشم و اژدهاک، از طرف انگرمینو بر سر به دست آوردن آن مبارزه کردند، ولی فرّه به فراخکرت گریخت. افراسیاب به دنبال فرّه دست نیافتنی، سه بار در فراخکرت رفت، اما نتوانست آن را به دست آورد (یشت ۱۹: کرده‌های ۸، ۷). ایزدان مینوی و جهانی و سوشیانت‌های زاده شده و زاده نشده، این فرّه را دارند و با آن گیتی را نو می‌سازند (یشت ۱۹: ۲۲-۲۴). هوشنگ با این فرّه، بر هفت کشور پادشاهی کرد و دو سوم دیوان را برانداخت (یشت ۱۹: ۲۶).

طهمورث با این فرّه، بر هفت کشور پادشاهی کرد، اهریمن را به شکل اسب در آورد، بر آن نشست و گرد زمین گردید (یشت ۱۹: ۲۹، ۲۸). جمشید با این فرّه، بر هفت کشور پادشاهی و بر دیوان حکومت کرد و زندگی فناپذیر، گیاهان خشک نشدنی و خوراک فاسد نشدنی در زمان او پدید آمد (یشت ۱۹: ۳۱-۳۳).

در بندهش فرّه کیانی از آن همه‌ی شاهان است (بندهش: ۱۱)؛ اگر فرّه کیانی و فرّه دین بهی باهم گرد آیند، باعث نابودی اهریمن می‌شوند. اگر این دو با هم باشند، فضیلت‌های اخلاقی و پارسایی زیاد می‌شود و جهان آباد می‌گردد (دینکرد ۳: ۱۲۹).

خلاصه اینکه این گونه فرهی، نیرومند (یشت ۱۰: ۶۶؛ یشت ۱۹)، مزدا آفریده (یشت ۱۹)، مزدا داده (یسنا ۱: ۱۴؛ ۲: ۱۴؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۱۹؛ ۶: ۱۳؛ ۷: ۱۶؛ ۱۷: ۱۴)، به دست نیامدنی (یسنا ۱: ۱۴؛ ۲: ۱۴؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۱۹؛ ۶: ۱۳؛ ۷: ۱۶؛ ۱۷: ۱۴)، بسیار ستوده (یشت، ۱۹)، زبردست (همان)، پرهیزگار (همان)، کارگر (همان)، توانا (یشت ۸: ۲)، چست (یشت ۱۹) و برتر از دیگر آفریدگان (همان) است.

۲- **فرّه ایرانی:** این فرّه از آن ایرانیان دانسته شده است (بندهش، ۱۱). این فرّه، رمه، ثروت و خرد می‌بخشد و آز، اهریمن پرگزند، خشم خونین درفش، بوشاسپ خواب آلوده، سرما، اپوش و ممالک غیر آریایی را شکست می‌دهد (یشت ۱۸:۲، ۱). در متون پهلوی، با دو گونه فرّه دیگر نیز رو به‌رو می‌شویم: فرّه موبدی یا پیامبری و فرّه همگان (فرّه، ۳۳-۳۵).

۳- **فرّه موبدان:** آسرونان این فرّه را دارند «هرمزد خود آسرون است. بدان روی (وی را) دارای فرّه‌ی ناگرفتنی خواند که هرمزد در میان مینوان، مینوئی تواند بود که ناگرفت فرّه است» (بندهش، ۱۱). این فرّه که ناگرفتنی است موجب می‌شود که همواره دانایی با آسرونان همراه باشد (بندهش، ۱۱). زرتشت نیز از موهبت فرّه موبدی و پیامبری بهره‌مند شده بود (نک: شریفی ۹۶؛ آموزگار ۳۴).

۴- **فرّه همگان:** این فرّه از آن آدمیان و جانوران است (بندهش، ۵، فرّه، ۳۵). در *اوستا*، عموماً از «فرّه مزدا آفریده» و «فرّه مزدا داده» که ناگرفتنی است و اهورامزدا آن را به کسان خاصی می‌دهد، سخن گفته می‌شود، البته در متون پهلوی نوعی از فرّه ذکر شده «فرّه اکتسابی» است و با خویشکاری رابطه دارد (دینکرد ۴/۵). در متون پهلوی گاه می‌توان فرّه را «صورت مثالی و مینوی کمالات و فضیلت‌های خاص موبدان، جنگاوران و کشاورزان دانست... که می‌تواند تشخیص بپذیرد و به صور مختلف ظاهر شود» (شریفی، ۹۶).

فرّه می‌تواند بگریزد؛ چنان که در زامیادیشتم می‌خوانیم فرّه از جمشید گریخت. فرّه همیشه به یک اندازه نیست. در کتاب نهم دینکرد، فرّه اکتسابی به نسبت تلاش، کم و زیاد می‌شود. به‌دینی و بددینی نیز در زیاد و کم شدن فرّه نقش دارند (دینکرد ۳:۱۹۰). فرّه در پیری برای جبران ناتوانایی آدمی افزایش می‌گیرد، اما اگر خرد آدمی کم شود فرّه نیز کم می‌شود (دینکرد ۳/۱۷۸).

چنان که ذکر شد، فرّه در متون مزدایی نیز تجسد یافته است. در داستان جمشید، فرّه، سه بار از او به شکل مرغ وارغن گریخت (یشت ۳۴/۱۹-۳۸). فرّه زرتشت به صورت نوری تا هنگام تولدش از دوغدو می‌تافت (دینکرد ۲/۵). بابک به خواب دید که «خورشید از سر ساسان بتافت و جهان روشنی گرفت» (کارنامه اردشیر بابکان، ۱). هنگام فرار اردشیر بابکان از اردوان، فرّه به شکل قوچی در پی او می‌تاخت (همان، ۳).

ب) یاریگران یهوه (روح خدا، فرشته و فرشتگان) در عهد قدیم

نخست: روح خدا در کتب عهد عتیق

نخستین اشاره‌ی عهد عتیق به فعالیت روح خدا در عرصه‌ی هستی در آیه‌ی دوم از باب یک سفر پیدایش است: «و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آب‌ها را فرا گرفته بود». روح صادر از خدا و حیات بخش است (پیدایش ۷:۲). افزون بر این، در سفر تکوین، اشاره به حضور موقتی روح خدا در جایگاه‌هایی است که بر آنها نازل می‌شود (پیدایش ۶/۳). از کارکردهای مهم روح خدا، حکمت آفرینی در افراد است (۳۸/۴۱-۳۹).

در سفر دوم تورات (۳:۲۸ و ۳:۳۱ و ۳۵:۳۱)، دیگر بار بر کارکرد حکمت‌زایی روح خدا با تعبیری دیگر اشاره شده است. ویژگی دیگر این روح، ترغیب افراد برای تعبد و سرسپردگی در امور دینی و اراده الهی است (خروج ۳۵:۲۱). در سفر چهارم تورات به ویژگی دیگر روح یهوه پرداخته شده است: «... و چون روح بر ایشان قرار گرفت، نبوت کردند، لیکن مزید نکردند» (همان، ۱۱:۲۵ نک: : اعداد ۱۷-۱۶:۱۱، ۲۹ و ۲۷-۲۶:۱۱). از مضامین آیات چنین برمی آید که:

نخست: روح قابل انقسام است؛ دوم: روح نبی که از آن بوی حکمت می‌آید، متفاوت از روح سایرین و قابل تسری به دیگران است و این خود گویای تنوع کارکردی روح خدا است. همچنان که در صفحات پیشین بدان اشاره شد، از خصایص برجسته و عام روح خدا، حیات بخشی به مخلوقات به‌ویژه نوع بشر است. لیکن کارکرد حکمت‌زایی یا نبوت‌زایی شمولیت عام نداشته و دایره آن بسیار محدود است.

در کتاب داوران، ابعاد دیگری از خصایص کارکردی روح خدا روشن می‌گردد:

۱. تاثیر روح خدا در تکلم و مخاطبه خداوند با افراد (داوران، ۳۰-۲۹:۱۱).

۲. نزول روح خدا بر فرد که به برانگیختگی او منجر می‌شود (۲۵:۱۳، نک: خروج

۳۵:۲۱).

۳. پشتیبانی در جنگ‌ها: (داوران، ۳۱-۲۹:۱۱).

۴. کارکرد هجومی و حفاظتی: «بر آنها نیز آمد و ایشان هم شروع به نبوت کردند»

(اول سموئیل ۲۰-۱۹/۱۹ همچنین ۶/۱۰ و ۱۰/۱۰) همچنین دگر بار به خاصیت قدرت

افزایی و برانگیختگی و تحریک افراد نیز پرداخته شده است (۱۱/۶). نکته‌ی متفاوت این

کتاب درباره روح خدا، واهمه و انزجار روح شریب از روح خدا و هر کسی است که در او مستقر شده است (اول سموئیل ۱۶-۱۶/۱۴). در بخش‌های بعدی عهد عتیق نیز همچنان جنبه مخرب روح پلید را می‌نمایاند (ایوب ۱۷-۴/۱۲).

در کتاب دوم پادشاهان ویژگی تازه‌ای از روح خداوند نمودار می‌شود که توان عقاب افراد را نیز دارد: (۲:۱۶). البته کارکردهای پیشین نیز پابرجا هستند (دوم پادشاهان ۱۶-۲/۱۵).

در کتاب دوم تواریخ نزول روح خدا در فرد، امکان استماع و ادراک ندای الهی را در او فراهم می‌سازد (دوم تواریخ، ۱۵-۲۰:۱۴ و نک: ۲۰:۲۴). و به هر حال، روح خدا سخنگوی خداست (دوم تواریخ، ۲۴ / ۲۰).

در کتاب نحمیا وجهی دیگر از خاصیت نزول روح خدا بر فرد و تعلیم افراد آشکار می‌شود: «و روح نیکوی را به جهت تعلیم ایشان دادی و من خویش را از دهان ایشان باز نداشتی» (۹:۲۰ نحمیا). در کتاب ایوب ضمن اشاره به خاصیت حکمت افزایی روح خدا در افراد خاص (ایوب ۸:۳۲)، بعد دیگر ابعاد عملکردی آن تکرار آفرینش‌گری روح خدا و تکمیل فرایند تکوین هستی است (۲۶/۱۳ و ۳۳/۴).

چنان که در آغاز بررسی اشاره شد، در مزامیر داوود در باب ۵۱، آیه ۱۱، از تعبیر روح قدوس استفاده شده است که دست‌کم به لحاظ ظاهری با عنوان روح خدا متفاوت است: «مرا از حضور خود مینداز، و روح قدوس (Holy Spirit) خود را از من مگیر» (۵۱/۱۱، نک: آیات نسخه‌های KJV, NIV). در این آیه همچنین بر حضور موقتی روح خدا تاکید شده است.

هدایت و تعلیم، بعد دیگری از کارکردهای روح خدا از جمله در آیه‌ی دهم از باب ۱۴۳ مزامیر است. در کتاب جامعه نیز به مصدر الهی روح خدا و رجعت آن به سوی یهوه اشاره شده است (۱۲/۷). آیه دوم از باب ۱۱ صحیفه اشعیا نبی به نوعی، در بردارنده‌ی جامع کارکردهای اصلی روح خدا است: «درخت خاندان داود بریده شده است اما یک روز کنده آن جوانه خواهد زد. بلی از ریشه آن شاخه‌ای تازه خواهد رویید. روح خداوند بر آن شاخه قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت و روح شناخت و ترس از خداوند. تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود او بر اساس آن چه دیده یا شنیده می‌شود داوری نخواهد کرد، بلکه از حق...» (اشعیا ۴-۱۱/۱). در ادامه‌ی صحیفه

اشعیای نبی، در اقامه قسط و عدل در جامعه تاثیر گذاری روح مشخص شده است (۴۲:۱).

خاصیت دیگر نزول روح خدا بر افراد، ایجاد سکینه در جان افراد است (۶۳:۱۴). در صحیفه حزقیال نبی دیگر بار به نسبت حضور و نزول خدا بر فرد و امکان تکلم او با خدا و استماع ندای الهی تاکید شده است (حزقیال ۵/۴۳-۶ و همچنین نک: ۱-۲/۱). برجسته‌ترین ویژگی روح خدا که برای اولین بار با آن مواجه می‌شویم، توانمندی روح خدا برای معراج روحانی افراد است (حزقیال، ۳/۱۲ نک: با همان ۳/۱۴).

شایان توجه در این صحیفه، اشاره صریح به تکلم روح با افراد است. این کارکرد با تکلم خدا با آدمی متفاوت است که قبل از نزول روح بر فرد حاصل می‌شود: «و روح داخل من شده، مرا بر پاهایم برپاداشت و او مرا خطاب کرده، گفت: برو و خویشتن را در خانه خود ببند» (حزقیال ۲۴/۳).

در ادامه‌ی صحیفه حزقیال بر نقش واسطگی روح خداوند میان بیهوشی با خلق اشاره شده است (۱۱/۵).

از دیگر وجوه روح خدا که پیشتر بدان پرداخته شد، مسأله‌ی حضور موقتی آن است. این حضور موقتی باعث می‌شود که نیاز به تجدید روح در افراد به میان آید (۱۱/۱۹ حزقیال، نک: ۲۷-۳۶/۲۶).

دیگر باره در صحیفه‌ی یوئیل ۳/۸، به نسبت نزول روح خدا بر فرد با ایجاد توان در او و نیز ایجاد توان دادگری پرداخته شده است. در کتاب حجی (۱/۱۴ و ۲/۵) نیز بر نقش روح در برانگیختگی و تحریک افراد در تحقق اراده الهی و نیز خاصیت توان‌زایی اشاره شده است.

دوم: فرشته خداوند

از بین فرشتگان مطرح در عهد عتیق مرتبه «فرشته خدا» بیش از سایرین است. اولین تجلی این فرشته‌ی خدایی در سفر پیدایش، در مواجهه با هاجر است: «فرشته خداوند هاجر را در بیابان، نزدیک چشمه‌ای که در راه شور است، ملاقات کرد» (۷:۱۶).

کارکردها و تجلیات عمده فرشته خدا چنان با کردار و گفتار شخص بیهوش یکسان است که گویا این دو در اصل یکی هستند و تمایزی میان آنها نیست! و این فرشته با سایر

فرشته‌ها تفاوت دارد (Achtemeier, Angel of the Lord, p:34). به عنوان نمونه با

پیگیری داستان تجلی فرشته خداوند بر هاجر می‌خوانیم:

گفت: «ای هاجر، کنیز سارای، از کجا آمدی و کجا می‌روی؟» گفت: «من از حضور خاتون خود سارای گریخته‌ام». فرشته خداوند به وی گفت: «نزد خاتون خود برگرد و زیر دست او مطیع شو». و فرشته خداوند به وی گفت: «ذريت تو را بسیار افزون گردانم، به حدی که از کثرت به شماره نیابند» (پیدایش ۱۶: آیات ۸ تا ۱۰).

این آیات، با سخنان و عهد یهوه با ابراهیم تشابه دارند: «در حال، فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد و گفت: ای ابراهیم! ای ابراهیم عرض کرد: لبیک. گفت: دست خود را بر پسر دراز مکن، و بدو هیچ مکن، زیرا که الآن دانستم که تو از خدا می‌ترسی... هر آینه تو را برکت دهم، و ذريت تو را کثیر سازم، مانند ستارگان آسمان، و مثل ریگ‌هایی که برکناره دریاست و ذريت تو دروازه‌های دشمنان خود را متصرف خواهند شد» (پیدایش ۱۱/۲۲-۱۷).

در آیات دیگر عهد عتیق (پیدایش ۳۱/۱۱-۱۳) نیز این تشابه شایان توجه میان این فرشته با خداوند مشاهده می‌شود. شدت و نهایت این پیوند ژرف را در داستان موسی نیز می‌توان دریافت: (خروج ۲/۳-۴).

این پیوند در کتاب داوران نیز وجود دارد: (داوران ۱/۲-۵). در باب ششم از همین سفر نیز آمده است: «پس فرشته خداوند بر او ظاهر شده، وی را گفت: ای مرد زورآور، یهوه با تو است...» (داوران ۱۱/۶-۱۶).

شاید بنا بر فحوای این آیات، بتوان استنباط کرد که فرشته خداوند صرفاً عنوانی است از تجلی یهوه! و ازین رو نباید آن را چون دیگر ملائکه در عهد عتیق پنداشت، با وجود این، همچنان که از سیاق آیات عهد عتیق برمی‌آید، فرشته خداوند چون دیگر فرشتگان کارکردهای زیر را دارد:

- ۱- پیام‌رسانی (پیدایش ۱۵/۲۲-۱۸ و همچنین نک: پیدایش ۱۷/۲۱ و ۱۱/۱۶، دوم پادشاهان ۳/۱، ۱۵/۱)؛ ۲- محافظت (خروج ۲۰/۲۳-۲۱ و نک: دانیال ۲۳/۶)؛ ۳- نابودگری دشمنان قوم (خروج ۲۳/۲۳)؛ ۴- هدایت افراد و تعلیم به ایشان (داوران ۹-۸/۱۳ و نیز: خروج ۲۳/۲۳، داوران ۸/۱۳-۹ و خروج ۲۳/۲۳، داوران ۸/۱۳-۹)؛ ۵- گشایندگی کارها (خروج ۱۹/۱۴، پیدایش ۷/۲۴ و ۴۰)؛ ۶- تهذیب و تطهیر افراد

(پیدایش ۱۶/۴۸)؛ ۷- برکت بخشی (پیدایش ۱۶/۴۸)؛ ۸- مجازات گری بدکاران (دوم پادشاهان ۱۹/۳۵ و نک: اول تواریخ ۱۵/۲۱-۱۶، دوم تواریخ ۲۱/۲۳)؛ ۹- ماموریت انجام اراده یهوه (اعداد ۲۲/۲۲)؛ ۱۰- پذیرش نذرها و قربانی‌ها (داوران ۲۰/۶-۲۱، و نک: ۱۹/۱۳-۲۳)؛ ۱۱- تبدیل به ظاهر انسانی (داوران ۸/۱۳-۹).

از جمله تفاوت‌های فرشته خدا با روح خدا این است که فرشته خدا نذرها را قبول کرده است در حالی که چنین ارتباطی میان روح خدا با نذرها برقرار نیست.

سوم: فرشتگان در عهد عتیق

عهد عتیق یهوه را بسان پادشاه و ملائک را به عنوان خادمین، کارگزاران، پیام رسانان (Karesh, Malakhim, 307)، حامدان و تسبیح‌گویان خداوند توصیف کرده است (اشعیا ۳-۱/۶). میکایا گفت: «پس سخنان خداوند را بشنو: من خداوند را دیدم که بر تخت خود نشسته بود و تمام فرشتگان در کنار او ایستاده بودند» (۱ پادشاهان ۲۲/۱۹).

فرشتگان عهد عتیق از ذکر نام و نشان خویش استنکاف ورزیده‌اند! (Achtemeier, ANGEL 33) برای مثال، در سفر پیدایش در داستان دیدار یعقوب با فرشته آمده: «و یعقوب از او سؤال کرده، گفت: مرا از نام خود آگاه ساز. گفت: چرا اسم مرا می‌پرسی؟ و او را در آنجا برکت داد» (۲۲/۲۳). همین ویژگی در کتاب داوران نیز دیده می‌شود (داوران ۱۷/۱۳-۱۸).

شگفتا فرشتگان با تبدیل شدن به انسان به نیازهای فیزیولوژیک انسانی مبتلا می‌شوند: «در غروب آن روز وقتی آن دو فرشته وارد سدوم شدند، لوط بر دروازه شهر نشسته بود. همین که آنها را دید، برخاست و به طرف آنها رفت تا از ایشان استقبال کند. او در مقابل آنان تعظیم کرد و گفت: ای آقایان، من در خدمت شما هستم. لطفاً به خانه من بیایید. شما می‌توانید پای‌های خود را بشوید و شب را بگذرانید. صبح زود بلند شوید و به راه خود بروید. ...» (پیدایش ۱۹/۱-۴). این «فرشتگان» هم غذا می‌خوردند و هم می‌خوابیدند و این حالات با تبدل انسانی «فرشته خدا» بکلی متفاوت است (۱۶-۱۵/۱۳). تفاوت رفتاری فرشتگان با فرشته خدا در کیفیت تبدل هیات نیز خود دلیل این است که فرشته خدا، تجلی خود خدا است.

اهم کارکردهای فرشتگان در عهد عتیق

۱- در عداد لشکریان و سپاهیان یهوه‌اند (مزامیر ۲/۱۴۸)؛ ۲- ثناگو و تسبیح‌گوی اویند (مزامیر ۲/۱۴۸)؛ ۳- مأمور تحقق اراده‌ها و انجام مشیت‌های یهوه‌اند (مزمور ۲۰/۱۰۳)؛ ۴- مأمور عقاب و عذاب افرادند (دوم سموئیل ۱۷/۲۴)؛ ۵- شفاعت‌گر افراد در پیشگاه یهوه‌اند تا ایشان را از عذاب اخروی برهانند (ایوب ۲۳/۳۳)؛ ۶- واسطه‌ی میان خلق با خالقند (ذکریا ۴/۲-۵)؛ ۷- یاریگر قومند (خروج ۲/۳۳-۳).

نتیجه‌گیری

پس از تبیین مبسوط ساختار و کارکردهای هر یک از مفاهیم سپننه مینو، فروشی‌ها، فرآیزدی، امشاسپندان در اوستا از یک سو، و روح خداوند و فرشتگان در عهد عتیق از سوی دیگر، وجوه افتراق و اشتراک کارکرد آنان را در جداول زیر می‌توان دید:

۱- سنجش کارکردی روح خدا در عهد قدیم با سپننه مینو در اوستا

سپننه مینو	روح خدا
آفریده‌ی اهوره مزدا است.	به خلقت وی اشاره نشده، در برخی آیات جلوه‌ای از صفات یهوه است.
بلند مرتبه‌ترین آفریده‌ی مزدا و در اصل جلوه‌ی آفرینشگری او است.	بلند مرتبه‌ترین جلوه‌ی یهوه است که در تکوین هستی و تکمیل آن تأثیر بسیار دارد.
دارای همزاد متضادی به نام انگره مینو است که در اصل برای مبارزه با او و خباثت‌های وی آفریده شده است.	نیروی متضاد و یا همزادی برای او تعریف نشده با وجود این، او دشمن روح شریب و خبیث است.
سپننه مینو، واسطه میان خلق با اهورامزدا است.	روح خدا، واسطه میان خلق با یهوه است.
تشخص ندارد.	تشخص ندارد.
این کارکردها را سپننه مینو ندارد.	خویشکاری‌های حکمت‌زایی، نبوت بخشی، حفاظت از افراد و... دارد.

۲- مقایسه ویژگی‌های روح خدا در عهد قدیم با فروشی‌های اوستا

فروشی‌ها	روح خدا
فروشی‌ها ارواح سودمندی هستند که مواهب خود را فقط شامل ستایشگرانشان می‌کنند.	مواهب روح خدا به جز حیات بخشی، شمولیت عام ندارد و بر افراد خاص نازل می‌شود.
فروشی‌ها بسیارند.	روح خدا واحد است.
فروشی‌ها ارواح مردگان و نیاکان یا فرشتگان محافظ و جنگجو تلقی می‌شوند.	روح خدا در شمار ارواح مردگان و نیاکان یا فرشتگان جنگجو نیست.
یکی از زمان‌های اصلی تکاپوی فروشی‌ها شباهنگام و ایام نوروز است.	هیچ زمان خاصی برای کارکرد روح خدا تعریف نشده است.
از جمله ابعاد تشکیل دهنده نهاد آدمی است.	عامل حیات آدمی است.
یار و یاور مزدا در اداره هستی‌اند.	قوه‌ی ویژه بهوه در اجرای امور است.
قدرت انجام کارهای خاص را دارند.	قدرتمند است.
حضورشان موقتی است ازین‌رو برای بهره‌مندی افراد از مواهبشان مکرر نازل می‌شوند.	به دلیل حضور موقتی، نیاز به تجدید نزول دارد.
دارای عواطف و احساسند.	به جنبه‌ی عاطفی روح اشاره نشده است.
در توصیف آنها از پر و بال نام برده شده است.	اوصاف جسمانی آنان در عهد عتیق نیامده است.
نوع فروشی‌ها بسته به نوع افراد و موجودات متفاوت است.	فقط یک نوع روح خدا وجود دارد که خصایص و کارکردهای گونه‌گون دارد.
عامل تداوم آفرینش آفریده‌های هستی‌اند.	عامل آفرینش و تکمیل هستی است.
مانع و رادعی بر سر راه تقویت نیروی شر و ویرانگری هستند.	مخالف و دشمن روح شریر است با وجود این، دارای اصل متضاد و همزاد نیست.
جنگاورند و یاری‌رسان افراد در مهلکه‌ها و کارزارها و محافظ افرادند.	در تنگناها موجد قوت و توانمندی در افراد برای صیانت و حمایت افراد است.
عامل رستگاری و هدایتند.	عامل تعلیم و هدایت است.
عامل تندرستی و سلامتی‌اند.	به کارکرد سلامت بخشی جسمانی روح اشاره نشده است.

۳- اهم اشتراکات فرشتگان، فروشی‌ها و امشاسپندان

امشاسپندان	فروشی‌ها	فرشتگان
یارگران مزدا هستند.	کارگزاران و یاران مزدا در اداره هستی‌اند.	خادمان پهوه در انجام اراده او هستند.
—	محافظ و نگهدارنده‌ی آسمانند.	محافظین عرش الهی‌اند.
در نبرد با دیوان، با توسل به نام آنها می‌توان پیروز شد.	محافظ اشونان در سختی‌ها و نبردها هستند.	در تنگناها و مهلکه‌ها محافظ قوم هستند.
—	دارای پر و بالند.	دارای پر و بالند.

۴- اهم وجوه افتراق فرشته‌ها با فروشی‌ها و امشاسپندان

امشاسپندان	فروشی‌ها	فرشتگان
فعالیت آنها مستقل از اراده‌ی اهوره مزدا نیست.	افراد می‌توانند با ستایش و توسل از آنها یاری بخواهند. عامل اصلی فعالیتشان نیز ستایش فروشی‌ها توسط اشونان است.	بنا به خواست پهوه فعالیت می‌کنند.
—	قابلیت تبدیل به هیأت انسانی را ندارند.	به هیأت انسانی تبدیل می‌شوند.
اهمیت بسزایی در اداره‌ی هستی دارند.	به ضرورت وجود فروشی‌ها در اداره هستی از سوی خود مزدا تأکید شده است.	اشاره‌ای به ضرورت وجودی ملائکه نشده است.
—	پیام‌رسان مزدا نیستند.	پیام‌رسان پهوه‌اند.
هم ستایش و هم عبادت می‌شوند.	مورد ستایش افراد هستند.	مورد ستایش یهودیان نیستند و در عهد عتیق به ستایش آنها اشاره نشده است.

۵- مقایسه وجوه اشتراک روح خدا با فرّ و فروغ مزدا

فر و فروغ مزدا	روح خدا
√	حضور موقتی دارد.

روح خدا	فر و فروغ مزدا
قدرت و توان آفرین است.	√
موجب التزام فرد به امور دینی و مذهبی می‌شود.	شخص را پرهیزگار می‌سازد.
با اعطای حکمت و نبوت، عظمت فرد را در میان سایرین به وجود می‌آورد.	منجر به بزرگ منشی در فرد می‌شود.
منجر به تهور و شجاعت در فرد می‌شود.	√
برتر از همه‌ی موجودات است.	برتر از سایر آفریدگان است.
به واسطه‌ی توان‌افزایی و تحریک، موجب پیروزی فرد در مهلکه‌ها و تنگناها می‌شود.	موجب پیروزی می‌شود.
تشخص ندارد.	تشخص ندارد.

۶- وجوه اصلی افتراق فرّ و فروغ مزدا با روح خدا

روح خدا	فرّ و فروغ مزدا
به خلقت وی اشاره نشده است.	مخلوق مزدا است.
عطای یهوه است.	به چنگ آوردنی و یا حتی ربودنی است.
غیر قابل رؤیت است.	قابل رؤیت است. افراد معدودی به آن رسیده اند.

کتابشناسی

۱. آموزگار، ژاله، «فرّه، این نیروی جادویی و آسمانی»، مجله کلک، شماره‌ی ۶۸، صص ۳۲-۴۱، ۱۳۷۴ش.
۲. اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۷۱ش.
۳. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، انتشارات مرکز، ۱۳۸۶ش.
۴. بندهش، فرنبرغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۸۰ش.
۵. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، تهران، چشمه، ۱۳۷۵ش.
۶. جعفری، علی اکبر، «سپنتامینو، انگرامینو در گات‌ها»، چیستا، شماره‌ی ۶.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ش ۷۹، دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه، ۱۳۴۱ش.

۸. شریفی، «گلفام، تحول معنایی واژه‌ی فره در متن‌های اوستایی و پهلوی»، *مجله مطالعات ایرانی*، سال ۶، شماره‌ی ۱۱، ۱۳۸۶ش.
۹. *کارنامه‌ی اردشیر بابکان*، ترجمه، آوانویسی و واژه‌نامه، بهرام فروشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ش.
۱۰. *کتاب پنجم دین‌کرد*، آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه‌نامه، متن پهلوی از ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران، معین، ۱۳۸۶ش.
۱۱. *کتاب سوم دین‌کرد* (درس‌نامه‌ی دین‌مزدایی) دفتر یکم، آذرفرنبغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید، آراستاری، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه فریدون فضیلت، تهران، فرهنگ‌دهخدا، ۱۳۸۱ش.
۱۲. *کتاب مقدس*، ترجمه‌ی انجمن مقدس ایران، چاپ دهم، ایران، ۱۹۸۷م.
۱۳. محمدیان، بهرام و دیگران (ترجمه و تالیف)، *دایرة‌المعارف کتاب مقدس*، تهران، روز نو، ۱۳۸۰ش.
۱۴. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۱۵. ناس، جان بی، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
۱۶. یسنا، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود، تهران، اساطیر، ۱۳۸۷ش.
۱۷. *یشت‌ها ۱*، تفسیر و تألیف ابراهیم پور داود، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
۱۸. *یشت‌ها ۲*، تفسیر و تألیف ابراهیم پور داود، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
19. Achtemeier, Paul J. & Marilyn M. Schaub(editors) (1996) "Holy Spirit", in: *Harpper Collins Bible Dictionary*, Revised Edition, New York.
20. Achtemeier, Paul J. & James M. Efrid "ANGEL", (1996) in: *Harpper Collins Bible Dictionary*, Revised Edition, ed: New York.
21. Achtemeier, Paul J. & James M. Efrid "Angel Of The Lord", (1996), in: *Harpper Collins Bible Dictionary*, Revised Edition, ed: New York.
22. Boyce, Mary. Fravasi, in: www.Iranica online.org, articles.
23. Boyce, Mary. Yast, in: www.Iranica online.org, articles, Farwardin.
24. Boyce, Mary, (1979) *Zoroasterians: Their Religious Beliefs and Practices*, Routledge and Kegan Paul, London.
25. Doniger, Wendy (1999), *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, Merriam-Webster Incorporaeed. USA.

26. E.Safra, Jacob (Chairman of Board), Jacob E.Safra, President: Jorge Aguilar, in: *Britannica Encyclopedia of World Religions*, Chicago-London, ISBN: 978-1-59339-491-2, 2006.
27. Gnoli, Gherardo "Amesha Spenta", (2005), *Encyclopedia of Religion*, Second edition, vol.1, Gale, USA.
28. Hintze, Almut (2005), "Ahura Mazda and Angra Mainyu", in: *Encyclopedia of Religion*, Second edition, vol.1, Gale, USA.
29. Karesh, Sara E. & Hurvitz, Malakhim, (2006) in: *Encyclopedia Of Judaism*, Facts On File, USA.
30. KJV: King James Version, *The Holy Bible*, at www.americanbible.org.
31. Mackenzie. D.N,A *Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press, 1971.
32. NIV: *The Holy Bible*, New International Version, (1995), by International Bible Society.
33. Reichelt, Hans, (1911), *Avesta Reader Text, Notes, Glossary and Index*, Strassburg.
34. S.Ellwood, Robert (Editor) (2007), *The Encyclopedia of World Religions*, revised Edition, Facts on Files.
35. Warren Matthews, (2010), *World Religions*, sixth Edition, Wodsworth, USA.